

باب اول: صلاحیت دادگاهها

- فصل اول: صلاحیت ذاتی و نسبی ۶
- فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن ۱۴

باب دوم: مراجع قضاوتی ایران

- فصل اول: کلیات ۱۶
- فصل دوم: کارمندان و اشخاص وابسته به دادگستری ۱۸

باب سوم: وکالت در دعاوی ۳۶

باب چهارم دادرسی نخستین

- فصل اول دادخواست ۴۲
- فصل دوم: بهای خواسته ۴۹
- فصل سوم جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی ۵۵
- فصل چهارم: جلسه رسیدگی ۶۸
- فصل پنجم: توقیف دادخواست استرداد دعوی و دادخواست ۷۷
- فصل ششم: امور اتفاقی ۸۰
- مبحث اول تامین خواسته ۸۰
- مبحث دوم دستور موقت ۹۲
- مبحث سوم دعاوی ورود و جلب ثالث دعوی اضافی ۹۹
- مبحث چهارم دعوی متقابل تامین اتباع بیگانه ۱۰۵
- مبحث پنجم تامین دلیل و اظهارنامه ۱۱۰
- فصل هفتم: دعاوی تصرف ۱۱۱
- فصل هشتم: سازش ۱۲۱
- فصل نهم: رسیدگی به دلایل ۱۲۴
- مبحث اول: کلیات ۱۲۴
- مبحث دوم: اقرار ۱۲۶

۱۲۸	مبحث سوم: استناد
۱۳۵	مبحث چهارم: گواهی
۱۳۹	مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی
۱۴۱	مبحث ششم: کارشناسی و سوگند
۱۴۷	مبحث هفتم: نیابت قضایی

۱۴۹	فصل دهم: رای
۱۴۹	مبحث اول: صدور و ابلاغ رای
۱۵۷	مبحث دوم: قرارها
۱۶۲	مبحث سوم: حکم حضوری حکم غیابی
۱۶۳	مبحث چهارم: واخواهی و تصحیح رای

باب پنجم: تجدیدنظرخواهی

۱۶۸	فصل اول: آرای قابل تجدیدنظر و مهلت آن
۱۷۰	فصل دوم: جهات تجدیدنظر

باب ششم: فرجامخواهی

۱۸۳	فصل اول: فرجامخواهی در امور مدنی
۱۹۹	فصل دوم: اعتراض ثالث
۲۰۶	فصل سوم: اعاده دادرسی

کلیات:

- قاضی دادگستری صلاحیت خود و دادگاه مورد تصدی را با توجه به تاریخ تقدیم دادخواست تشخیص می‌دهد.
- حق درخواست انحصار وراثت برای هر ذینفع و ورثه محفوظ است.
- در صورتی که دعوی انحصار وراثت به طرفیت (ورثه) به عمل آید در صورت عدم ابراز ادله وراثت:
 - ← به (قرار عدم استماع) منجر خواهد شد.
- چنانچه دعوا به طرفیت ظهرنویس (سفته یا چک) اقامه شده باشد لیکن واخواست (در غیر موعد مقرر قانونی) به عمل آمده:
 - ← در این فرض چون قانون اجازه اقامه دعوا علیه ظهرنویس را منوط بر ارائه واخواست در موعد مقرر قانونی نموده است پس دعوا قانوناً منع شده و دادگاه نیز قرار عدم استماع دعوا صادر می‌نماید.
 - در صورت طرح دعوا علیه ظهرنویس سند تجاری خارج از موعد قانونی:
 - ← قرار رد دعوا صادر می‌شود (و نه قرار عدم استماع)
 - حکمی که تمام مراحل دادرسی را طی کرده باشد ← نهائی است نه اصراری.
- حکم کشفی (یا اعلامی) حکمی است که حقی را که قبلاً وجود داشته است اعلام می‌دارد:
 - حکم خلع ید، حکم پرداخت اجور معوقه، مطالبه طلب، حکم استحقاق وجه التزام
- حکم تأسیسی (یا موجد حق) حکمی است که انشای حقی و از تاریخ صدور حکم بیان می‌نماید:
 - حکم طلاق اقرار، تجدید بنا، تمکین، تغییر نام شناسنامه
- (آرای دادگاه‌ها) علی‌الاصول قطعی است مگر در مواردی که به موجب قانون قابل نقض یا تجدیدنظر باشد.
- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر آنکه شخص یا اشخاصی ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آن‌ها رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشد.
- در صورتی که قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند:
 - ← ضمن صدور قرار امتناع رسیدگی پرونده را به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع می‌دهد.
- دادگاه‌ها مکلفند در خصوص هر دعوا به صورت خاص تعیین تکلیف بنمایند.
- هیچ قراری از اعتبار امر مختوم برخوردار نیست مگر (قرار سقوط دعوا)
- از تاجر دادخواست افسار پذیرفته نمی‌شود.

- حکمی از دادگاه عمومی صادر شده است که با توجه به مقررات حاکم در زمان صدور آن غیر قابل فرجام اما با توجه به مقررات فعلی حاکم در زمان ابلاغ قابل فرجام است فرجامخواهی محکوم علیه نسبت به این حکم:

← قانوناً امکان ندارد.

- آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظرخواهی و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور خود می باشند مگر آنکه قوانین مذکور خلاف شرع شناخته شوند.
 - (رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور) قابل تجدیدنظر:
- ← نیست و بلکه فقط ممکن است به موجب قانون بی اثر گردد.

- مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص:

← اصولاً از قواعد آمره شمرده می شوند و توافق خلاف آن ها مؤثر نیست.

- مقررات مربوط به سازمان قضایی:

← از قواعد آمره بوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آن ها بی اثر است:

- هرگاه در خصوص دعوایی حکم قانونی موجود نباشد تکلیف قاضی رسیدگی کننده چیست؟

← بایستی با [منابع معتبر اسلامی حکم مقتضی

استناد بر:] یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی [صادر نماید.

- آیین دادرسی مدنی عبارتست از مجموعه اصول و مقرراتی که در مقام رسیدگی به:

به کار می رود	{	- عمومی	}	در دادگاههای:	1- امور حسبی
		- انقلاب		2- کلیه دعاوی مدنی	
		- تجدیدنظر		3- دعاوی بازرگانی	
		- دیوانعالی کشور			

- درجه صورتی می توان پرونده را از شعبه مرجوع علیه اخذ و به شعبه دیگری ارجاع داد؟

← فقط در صورت تجویز قانون

- آرای دادگاه ها قطعی است مگر آنکه در [قانون آیین دادرسی مدنی] یا در سایر قوانین

← قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

- چه مراجعی می تواند حکم دادگاه را تغییر داده یا از اجرای آن جلوگیری کنند؟

۱- دادگاه صادرکننده حکم
۲- مراجع بالاتر

• (و در مواردی که قانون تعیین کند)

- آئین دادرسی مدنی در رسیدگی به جنبه مدنی امور کیفری لازم الرعایه می باشد جز در مواردی که قانون صریحاً استثنا کرده است.

- رسیدگی به امور حسبی تابع کدام قانون می باشد؟

← تابع قانون امور حسبی مگر در مواردی که به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع شده است.

- مقررات آیین دادرسی مدنی از حیث عطف بماسبق شدن و نشدن:

۱) مقررات مربوط به بازمان قضائتی : عطف بماسبق میشوند
۲) مقررات مربوط به صلاحیت: الف- ذاتی: عطف بماسبق می شوند
ب- محلی: اصولاً عطف بماسبق نمی شوند
۳) مقررات آیین دادرسی مدنی به مکانی اخصی:
← اصولاً عطف بماسبق می شوند مگر در صورت تعارض با حقوق مکتسبه اشخاص

- دعوایی در زمان (ارائه دادخواست) در صلاحیت دادگاه عمومی بوده در حین رسیدگی به موجب قانون در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می گیرد تکلیف چیست؟

← با عنایت به اینکه قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی جزو قواعد امره می باشند و قواعد امره اصولاً عطف بماسبق می شوند پس (دادگاه انقلاب) صالح به رسیدگی می باشد.

- [اینکه ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی می گوید (مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است) در خصوص صلاحیت محلی است نه ذاتی]

- چنانچه به موجب قانون جدید قابلیت تجدیدنظر از حکمی از ۲۰ روز به ۱۰ روز کاهش یابد: تکلیف چیست؟

← مهلت تجدیدنظر همان ۲۰ روز است. چون گفتیم قواعد امره اصولاً عطف بماسبق میشوند مگر در مواردی که متعارض با حقوق مکتسبه متهم باشند!

- مفاهیم مختلفی که در قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان دعوا به کار رفته است:

۱- توانایی قانونی مدعی حق تضییع یا انکار شده در مراجعه به مراجع صالح در جهت احقاق حق.

۲- منازعه و اختلافی که در مراجع قضائتی مطرح گردیده و تحت رسیدگی بوده یا می باشد

۳- دعوا به معنای ادعا به کار رفته است

- عوامل زوال دعوا:

- (۱) صدور حکم قطعی در خصوص آن دعوا
- (۲) زوال دعوا در نتیجه زوال حق اصلی موضوع دعوا
- (۳) استرداد دعوا به طور کلی پس از ختم مذاکرات
- (۴) فوت احد طرفین (فقط در دعاوی تمکین و طلاق)

- شرایط اقامه دعوا: (۱) اهلیت

(۲) سمت

(۳) نفع

(۴) مهلت مرور زمان و مهلت‌های قانونی

• تقدیم دادخواست نه از شرایط اقامه دعوا بلکه از (شرایط لازم برای شروع به رسیدگی است)

- تفاوت مهلت های قانونی با مرور زمان:

- ۱- مهلت قانونی برخلاف مرور زمان نیازی به ایوار خوانده ندارد
 - ۲- در مهلت قانونی با گذشت مهلت: اصل حق زائل می شود ولی با انقضای مرور زمان اصل حق باقیست.
- قواعد آئین دادرسی اصولاً آمره می باشند مگر در قواعد صلاحیت محلی که مخیره هستند.

باب اول: در صلاحیت دادگاه ها

فصل اول: صلاحیت ذاتی و نسبی

- رسیدگی مشترک برای دعوی اصلی و طاری در ۲ مورد امکان پذیر می باشد:

- ۱- هر دو دعوا دارای منشأ واحدی باشند.
- ۲- هر دو دعوا دارای ارتباط کامل باشند.

- دعوی (الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مال غیرمنقول) در صلاحیت: ← دادگاه محل اقامت فروشنده (خوانده) می باشد.

- مرجع صالح برای درخواست افراز ملک:

- اگر جریان ثبتی ملک خاتمه یافته باشد ← اداره ثبت محل وقوع ملک
- اگر جریان ثبتی ملک خاتمه نیافته باشد ← دادگاه عمومی محل وقوع ملک

- این دعاوی در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول می باشند:

- ۱- خلع ید
- ۲- مالکیت
- ۳- تصرف عدوانی، مزاحمت، ممانعت
- ۴- مطالبه خسارت

- درخواست افراز ملکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته و بین شخص حقیقی و اداره دولتی مشترک است: ← در صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک می باشد.

- دعوی تصرف عدوانی علیه یک شرکت دولتی در صورتی که متصرف، ملک را بدون استناد قانونی تصرف نموده باشد در صلاحیت:

← دادگاه عمومی محل وقوع ملک می باشد.

- دعاوی بازرگانی و دعاوی ناشی از اموال منقول که ناشی از قرارداد باشند در کدام دادگاه می تواند اقامه شود؟

- ۱- دادگاه محل اقامت خواننده
- ۲- دادگاه محل وقوع عقد
- ۳- دادگاه محل اجرای عقد

- در چه مواردی دادگاه به دعاوی مختلف که منشأ واحد ندارند رسیدگی می کند؟
 - ← هرگاه میان آن ها ارتباط کامل وجود داشته باشد.
- (تهاتر، صلح، فسخ) و (احتساب، ابطال، و رد خواسته) و نیز هر اظهاری که به معنای دفاع باشد دعوی متقابل نیستند و نیاز به دادخواست جداگانه ندارند (م. ۱۴۲)
- دعوی طاری بایستی در:
 - ← دادگاهی که دعوی اصلی در آن مطرح است اقامه و توسط همین مرجع (چنانچه از صلاحیت ذاتی آن خارج نباشد) رسیدگی شود.
- مرجع صالح به رسیدگی به دعوی اعسار از هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر کدامست؟
 - ← دادگاهی است که حکم نخستین را صادر نموده است.
- رسیدگی به دعوی اعسار به بلور کلی با دادگاهی است که:
 - ← صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوی اصلی را دارد یا بدوا به آن رسیدگی نموده.
- دعوی طاری در صورتی در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی است که:
 - با دعوی اصلی: [یا دارای منشأ واحد]
 - [یا دارای ارتباط کامل]
- رسیدگی به دعوی طلب مال الاجاره مال غیر منقول هرگاه مستاجر مقیم کرج و موجر مقیم ورامین و مورد اجاره در تهران باشد در صلاحیت:
 - ← دادگاه عمومی تهران نمی باشد.
- طبق ماده ۲۰ قانون مدنی، اجاره بها در حکم منقول است هرچند که زمین مستاجر غیر منقول باشد لذا دادگاه محل اقامت خوانده (کرج) صالح است (م. ۱۳ ق. ا. د. م.)
- دعوی تصرف عدوانی نسبت به ملک علیه یک اداره دولتی در صلاحیت:
 - ← دادگاه محل وقوع ملک است.
- تصحیح اشتباه در ثبت جنسیت صاحب سند سجلی، با کدامیک از مراجع می باشد؟
 - ← هیات حل اختلاف ثبت احوال.
- محاکمات علنی انجام می شود مگر آن که:
 - ← در (دعوی خصوصی) طرفین دعا تقاضا کنند که محاکمه غیر علنی باشد. (اصل ۱۶۵ ق. اساسی)
- مستاجری با سند عادی: محلی را جهت کسب اجاره نموده و پس از انقضای مدت اجاره تا کنون ۵ سال است که مورد اجاره را در تصرف دارد بدون داشتن حق انتقال به غیر و بدون رضایت موجر مورد اجاره را به غیر منتقل می نماید. موجر برای تخلیه مورد اجاره باید به دادگاه عمومی مراجعه کند.
 - طبق بند ۲ ماده ۱۴ ق روابط موجر و مستاجر سال ۵۶